

قاعده لاضرر و حق بر محیط زیست با تأکید بر دریاچه ارومیه

رضا نیکخواه سرنقی^{۱*}، سید مهدی صالحی^۱، حسین جوادی^۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه ارومیه

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه ارومیه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۵/۳۱؛ تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۱/۱۴)

چکیده

دریاچه ارومیه با وجود داشتن ویژگی‌های زیست‌محیطی منحصر به فرد، در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی، در معرض خشک شدن قرار گرفته و به خلاف کارکردی که می‌توانست در تعدیل شرایط زیست‌محیطی منطقه داشته باشد، به تهدیدی برای امنیت انسانی و نقض حقوق اساسی آنها، از جمله حق حیات، حق سلامتی، حق برخورداری از محیط زیست پاک و... تبدیل شده است. با وجود مشکلات یادشده، آنچه بررسی آن ضروری است، پرداختن به این سؤال اساسی است که چگونه می‌توان از مبانی فقهی برای توجیه حق بر محیط زیست در خصوص دریاچه ارومیه استفاده کرد؟ کارکرد قاعده لاضرر - به عنوان یکی از قواعد مسلم فقهی - در اثبات این حق چیست؟ آیا از این قاعده می‌توان برای پیشگیری و جبران ضرر نسبت به رفتار و اقدامات تهدیدکننده محیط زیست استفاده کرد؟ پژوهش حاضر با درک این ضرورت، به بررسی مفهوم حق بر محیط زیست و مفهوم قاعده لاضرر پرداخته و کوشیده است با بررسی ارتباط این دو مفهوم، جایگاه استدلالی قاعده لاضرر در اثبات حقوق زیست‌محیطی دریاچه ارومیه را روشن کند و از این رهگذر، به ارائه راهکارهایی به منظور حفاظت از دریاچه و تأمین حقوق زیست‌محیطی پیرامون آن دست یابد.

کلیدواژه‌گان: دریاچه ارومیه، حق، حق بر محیط زیست، قاعده لاضرر.

مقدمه

حق بر محیط زیست از جمله مباحثی است که در سال‌های اخیر در نتیجه تأثیرپذیری از حقوق بین‌الملل در کشور ما نیز بحث و تحلیل شده و به شناسایی مصادیق و ابعاد آن پرداخته شده است. یکی از این موارد مهم، حق بر محیط زیست دریاچه ارومیه است که به‌رغم تلاش‌های فراوان در شناسایی این حق و ارائه راهکارهایی در محافظت از دریاچه و تأمین حقوق زیست‌محیطی مرتبط با آن، هنوز راه حل جامعی ارائه نشده است تا بتواند در عمل مانع گسترش این بحران و مؤثر در حل آن باشد و از این راه حقوق زیست‌محیطی ساکنان اطراف این دریاچه را تأمین کند؛ به‌گونه‌ای که با پس‌روی مداوم آب این دریاچه و تبدیل سطح مناطق خشک‌شده به شورزار و نيزار، تهدیدی بزرگ فراروی سلامت انسانی و محیطی منطقه و از بین رفتن حقوق اولیه و اساسی زندگی افراد ساکن در حاشیه آن و حتی مناطق دوردست قرار گرفته است.

یکی از راه‌هایی که می‌توان به آن در زمینه لزوم محافظت از دریاچه و تأمین حقوق زیست‌محیطی پیرامون آن استناد کرد، قاعده لاضرر است. قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد مسلم و مشهور فقهی، نفی‌کننده هر نوع ضرری است که در نتیجه اقدامات افراد متوجه دیگران می‌شود و از آنجا که این قاعده شامل امور عدمی نیز می‌شود، می‌توان با استناد به آن، احکام و دستوراتی را وضع کرد که ترک و نبود آن، سبب از بین رفتن حقوق افراد می‌شود. پژوهش حاضر با بررسی این موارد و نیز علل و پیامدهای خشک‌شدن دریاچه ارومیه و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تلاش دارد مبنایی فقهی برای حقوق زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بیابد و راهکارهایی را در این زمینه ارائه کند.

تعریف حق

حق در لغت به معانی متعددی از جمله درستی، ثبوت، صدق، وجوب، شایسته، امر مقتضی، یقین پس از شک، رشوه، احاطه، مال، قرآن، مقابل باطل، نصیب و بهره، و حکم مطابق با واقع گفته می‌شود و در مقابل آن، باطل قرار دارد [۱ و ۲].

حق در صورت جمع بسته‌شدن به صورت «حقوق» به کار می‌رود و مشترک لفظی است که در معانی «مقررات حاکم بر روابط اجتماعی»، «جمع حق» و «علم حقوق»

استعمال می‌شود [۳ و ۴]. مراد از حق در این پژوهش، معنای دوم آن است.

برای حق در اصطلاح، معانی متعددی آمده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

۱. حق امری است اعتباری که برای کسی (له) و بر دیگری (علیه) وضع می‌شود [۴].

۲. حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد [۵].

۳. حق، نوعی قدرت و توانایی بر چیزی یا کسی یا هر دو است [۶].

در میان تعاریف یادشده در کتاب‌های فقهی و حقوقی به نظر می‌رسد این تعریف جامع‌تر باشد: «حق، اقتدار و سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار شده و دیگران مکلف به رعایت آن هستند.» [۷].

با توجه به آنچه درباره تعریف واژه «حق» بیان شد، باید گفت که تکلیف لازمه حق است؛ به‌گونه‌ای که ثبوت حق برای یک موجود، مستلزم ثابت شدن تکلیف برای موجود دیگر است؛ زیرا وقتی وصل شدن یک موجود به مطلوبش متوقف بر استیفای حقوقی است، چنانچه استیفای حقوق با موانعی از سوی دیگران مواجه شود، استیفای حقوق ممکن نخواهد بود. به بیان دیگر، اگر حقی برای یک موجود اعتبار شود، اما موجود دیگر مکلف به ایجاد نکردن مانع نسبت به استیفای حق او نباشد و مجاز به ایجاد مانع باشد، جعل و اعتبار حق، کاری بیهوده خواهد بود. اعتبار حق وقتی مفید و معقول است که صاحب حق بتواند با استیفای حق خود به خواسته‌اش برسد. این امر نیز وقتی معقول است که متلازم با ثابت شدن حق برای یک موجود، تکلیف به عهده دیگران نسبت به رعایت حق او ثابت شود [۸-۱۰].

همچنین، وجود تکلیف برای یک موجود، نشان دهنده ثبوت حق برای موجود دیگر است؛ یعنی همان‌گونه که حق بدون تکلیف قابل فرض نیست، وجود تکلیف نیز بدون وجود حق، ممکن نیست. به طور مثال، تکلیف زوج به پرداخت نفقه، نشان‌دهنده حق زوجه برای دریافت نفقه است [۴].

در فقه، عنوان «حق بر محیط زیست» بیان نشده است و فقط از تکلیف بر حفظ محیط زیست یاد شده است؛ اما همان‌گونه که بیان شد، تلازم میان حق و تکلیف، امری حتمی

است؛ بنابراین، هرگونه بحث از مبنای تکلیف به حفظ محیط زیست در فقه، درباره حق بر محیط زیست نیز جاری است.

مفهوم حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست از مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته در حقوق بین‌الملل و جزء نسل سوم حقوق بشر، یعنی «حقوق همبستگی» است. برای آشنایی با مفهوم حق بر محیط زیست، ابتدا باید با مفهوم محیط زیست آشنا شد.

محیط زیست براساس برخی تعاریف عبارت است از: «هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبریزان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده، شامل کوچه و خیابان و ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه و...» [۱۱] یا «قسمتی از جو یا پوسته زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد.» [۱۲ و ۱۳] ولی با توجه به دخالت عامل انسانی در محیط و لزوم توجه به کارکرد فعال او در تغییرات زیستی طبیعی، باید گفت: «محیط زیست به محیطی گفته می‌شود که انسان به‌طور مستقیم و مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد.» [۱۳]

با توجه به تعاریف و توضیحات پیش‌گفته می‌توان مفهومی جامع از حق بر محیط زیست ارائه کرد و آن عبارت است از: «حق مسلم بشری و غیرقابل اعراض که به موجب آن هر فرد انسانی و کلیه انسان‌ها به گونه جمعی استحقاق سهیم‌شدن و برخورداری از محیط زیست سالم را هم زمان با مسئولیت جمعی حفظ سلامت محیط زیست به‌منظور حفظ سلامت انسان (اعم از نسل حاضر و آینده) و توسعه همه‌جانبه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را دارند [۱۲].

در حال حاضر، حق بر محیط زیست، توسعه‌یافته‌ترین موضوعی است که به‌عنوان حقوق همبستگی بحث و تحلیل شده است. در متون و اسناد بین‌المللی، تعریفی از حق بر محیط زیست ارائه نشده است، ولی در مواد ۱۴ و ۱۵ پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط زیست آمده است: «کلیه انسان‌ها به‌صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند.» «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی

جمعی صدمه وارد کند. صدمه‌ای که برای توسعه جمع ضروری باشد و راهی برای دوری از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌شود.»

همچنین، اصل اول اعلامیه استکهلم درباره حق بر محیط زیست بیان می‌دارد: «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باحیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به عهده دارد.»

اگر چه موضوع حفاظت محیط زیست به‌طور خاص در اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است، در اصول دیگر قانون اساسی نیز ابعاد مختلفی از مسائل زیست‌محیطی منعکس می‌شود. چه در فصل سوم یعنی «حقوق ملت» و چه در فصل چهارم که به اقتصاد و امور مالی اختصاص دارد، قانون اساسی به‌طور ضمنی ابعادی از محیط زیست را مد نظر قرار می‌دهد.

حقوقی مانند حق حیات (اصل ۴۲)، حق بهداشت (اصل ۴۳)، منع اسراف و تبذیر در کلیه شئون اقتصادی (اصل ۴۴) مدیریت انفال و ثروت‌های عمومی (اصل ۴۵)، از جمله مواردی هستند که به هر حال با محیط زیست پیوند دارند، ولی توجه صریح و مستقیم به محیط زیست در اصل ۵۰ قانون اساسی، جایگاه حفاظت محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران را پیش‌بینی می‌کند.

در اصل ۵۰ آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

این اصل حاوی مسائل حقوقی بسیار مهمی است که درایت پیشنهاددهندگان آن در قانون اساسی را نشان می‌دهد. پیش‌بینی اصل حفاظت برای محیط زیست پیوند جدانشدنی بین توسعه اقتصادی با محیط زیست، شناسایی تلویحی حق همگانی بر داشتن محیط زیستی سالم و در عین حال تکلیف آنان به تلاش برای ایجاد و حفظ محیط یادشده، درک شخصیت حقوقی نسل‌های آینده و حق آنان در زمینه تولد در محیطی سالم و مناسب برای حیات پایدار، لزوم رعایت انصاف بین‌نسلی توسط نسل حاضر و نسبت به

مهم‌ترین و بارزترین اکوسیستم‌های ایران است. این تالاب با توجه به موارد زیر بارزش است:

الف) کارکردها: حمایت از تنوع زیستی مانند آرتمیای، فلامینگوها، مرغابی‌ها و پرندگان دیگر؛ تعدیل آب و هوا و فراهم کردن منطقه به مکان مناسب برای کشاورزی و دامپروری؛ کاهش و ترسید رسوبات و آلاینده‌های منتقل شده به وسیله جریان رودخانه‌ها؛ تثبیت نهشته‌های نمکی و جلوگیری از پراکنش آنها به اطراف؛ جلوگیری از پیشروی آب شور؛ و چشم‌انداز.

ب) خدمات: گردشگری؛ چشمه‌های آب گرم و لجن‌درمانی؛ تحقیقات و پژوهش؛ آبی‌پروری.

پ) فرآورده‌ها: صید آرتمیای (که در آبی‌پروری برای پرورش میگو و ماهی قابل استفاده است و کیست‌های آرتمیای نیز منفعت تجاری دارد)؛ برداشت نمک (که حاوی مقادیر زیادی کلرید سدیم بوده و یکی از اشتغالات مردم این منطقه است)؛ چراگاه دام‌های اهلی؛ برداشت نی برای استفاده در صنایع دستی؛ شکار پرندگان آبی؛ ماهی‌گیری و منبع گیاهان دارویی [۱۸-۲۰].

علل خشک‌شدن دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه با وجود داشتن مزایای فراوان یادشده، از اوایل دهه ۸۰ شروع به پس‌روی و خشک‌شدن کرده و اکنون بیش از ۶۰ درصد آن به شورزار تبدیل شده است (شکل ۱) [۲۱].

علل این پس‌روی و خشک‌شدن را می‌توان به عوامل طبیعی و انسانی تقسیم‌بندی کرد.

عوامل طبیعی

عوامل طبیعی خشک‌شدن دریاچه ارومیه عبارت‌اند از:

- **کاهش میزان بارندگی و جریان رودخانه‌ها:** آمار بارندگی در حوضه دریاچه ارومیه در سال‌های گذشته به‌طور میانگین، ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش را نسبت به سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و قبل از آن نشان می‌دهد که همین امر سبب شده است رودخانه‌های اصلی منتهی به دریاچه نیز با کاهش درخور توجهی مواجه شوند [۱۸، ۲۲ و ۲۳]. شکل ۲ بیان‌کننده این کاهش است:

نسل‌های آینده و پیش‌بینی اصل توسعه پایدار از مهم‌ترین دستاوردهای حقوقی این اصل است که در مقایسه با قوانین اساسی دیگر کشورها در ردیف ممتاز قرار دارد [۱۴].

بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه با وجود داشتن موقعیت و شرایط زیست‌محیطی ویژه، در سال‌های اخیر به دلیل دخالت‌های نابجای انسانی در آن و محیط پیرامونی‌اش و مدیریت ناصحیح، در معرض خشک‌شدن و نابودی و تبدیل شدن به یک بحران قرار گرفته است. در ادامه، به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

موقعیت و ویژگی‌های دریاچه ارومیه

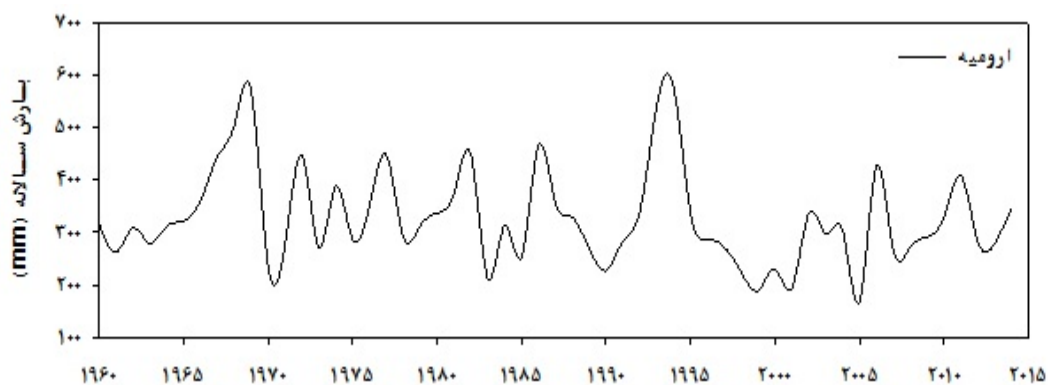
دریاچه ارومیه بزرگ‌ترین دریاچه ایران و خاورمیانه، دومین دریاچه شور جهان و بیستمین دریاچه بزرگ جهان است که در شمال غربی ایران و در محدوده استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی و کردستان واقع است. مختصات جغرافیایی این دریاچه، ۳۷ تا ۳۸/۵ درجه عرض شمالی، و ۴۵ تا ۴۶ درجه طول شرقی واقع شده است. سطح آن نسبت به سطح آب دریا‌های آزاد، ۱۳۰۰ متر بالاتر قرار دارد. این دریاچه به‌طور متوسط مساحتی حدود ۵۱۰۰ کیلومترمربع را در بر می‌گیرد. بیشترین عمق دریاچه ۱۶ متر و عمق متوسط آن ۴/۵ تا ۶ متر است و میانگین طول آن به‌طور تقریبی ۱۴۰ کیلومتر و پهنای آن حدود ۱۶ تا ۶۳ کیلومتر متغیر است [۱۵ و ۱۶]. حجم تقریبی این دریاچه ۳۱ میلیارد مترمربع تخمین زده شده است. حوضه آبریز دریاچه نیز حدود ۵۱۸۷۴ کیلومترمربع است. از نظر اقلیمی زمستان‌های سرد و تابستان‌های ملایم و گرم دارد. بیشترین سطح کاربری اراضی حوضه به مرتعداری، دیم‌کاری و باغ‌ها اختصاص دارد. آب دریاچه ارومیه به وسیله ۲۱ رودخانه (۱۴ رودخانه دائمی و هفت رودخانه فصلی) تأمین می‌شود. حدود ۱۵۰۰ گونه گیاهی، ۲۷ نوع پستاندار، ۲۱۲ نوع پرنده، ۴۱ نوع خزنده، هفت نوع دوزیست و ۲۶ نوع ماهی در این دریاچه و حوضه آن ثبت شده است. در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، حدود پنج میلیون نفر ساکن هستند که بیش از ۶۰ درصد آنها در روستاها سکونت دارند. زراعت و باغداری، اصلی‌ترین فعالیت‌های مردم منطقه یادشده است [۱۷].

اهمیت زیست‌محیطی دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه به دلیل وسعت زیاد، شرایط خاص اکولوژیکی و تالاب‌های اقماری ارزشمند اطراف آن، از



شکل ۱. روند پس‌روی و خشک‌شدن دریاچه ارومیه [۲۱]



شکل ۲. بررسی رابطه بارش باران و تغییرات تراز دریاچه ارومیه طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۵ [۲۳]

- **توسعه کشاورزی و گسترش کشت آبی:** بررسی‌ها نشان می‌دهد سطح کشت در حوضه دریاچه در سی سال اخیر، سه برابر شده و از ۱۵۰ هزار هکتار به ۴۱۵ هزار هکتار رسیده است و به تبع آن مصرف آب نیز از ۱/۸ میلیارد مترمکعب به ۵/۵ میلیارد مترمکعب رسیده که این امر یکی از دلایل مهم خشک‌شدن دریاچه ارومیه شمرده شده است [۱۸ و ۲۴].
- **احداث سدهای متعدد:** بیشتر کارشناسان مهار وسیع و بدون کارشناسی جریان آب‌های سطحی حوضه آبریز دریاچه ارومیه را به وسیله سدهای بزرگ و کوچک طی دهه‌های اخیر به عنوان مهم‌ترین عامل تهدیدکننده دریاچه ارومیه نام برده‌اند [۲۳، ۲۰، ۲۵ و ۲۶].

- **افزایش دما و تبخیر:** بررسی میانگین سالانه دمای سه‌گانه (حداکثر، حداقل و میانگین) ایستگاه‌ها در حوضه آبریز دریاچه ارومیه نشان‌دهنده این مطلب است که در دهه اخیر به‌طور میانگین، حدود ۱۲ درصد افزایش داشته که همین امر موجب تبخیر بیش از حد دریاچه شده و در خشک‌شدن آن مؤثر بوده است. طبق بررسی‌های کارشناسان در دهه گذشته، میزان تبخیر دریاچه ارومیه حدود ۱۸ تا ۱۸ درصد افزایش داشته، به‌طوری که متوسط تبخیر از ۱۱۵۶ میلی‌متر به حدود ۱۶۰۰ میلی‌متر رسیده است [۱۸ و ۲۲-۲۴].

عوامل انسانی

عوامل انسانی را نیز می‌توان شامل موارد زیر دانست:

گسترده از کودهای شیمیایی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه سبب شده است تا انواع سموم، آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی روانه این دریاچه شده و همراه سایر رسوبات ته‌نشین شود و با خشک شدن دریاچه توسط بادهای و توفان‌ها به مناطق مسکونی تا شعاع هزاران کیلومتری منتقل شود. علاوه بر این، تحقیقات آزمایشگاهی نشان دهنده وجود فلزات خطرناک و سنگین همچون جیوه و سرب نیز در نمک دریاچه است که سبب انباشتگی بیولوژیکی در بدن انسان می‌شود و بیماری‌های تنفسی و پوستی را افزایش می‌دهد و سبب ازدیاد چندین برابری بیماری سرطان و بیماری‌های حاد ریوی می‌شود؛ چنان که درباره دریاچه آرال نیز که در شرایط و ویژگی‌های مشابه دریاچه ارومیه بود، همین اتفاقات رخ داد [۱۶، ۱۷ و ۳۰].

۲. تهدید محیط زیست منطقه (جانوری و گیاهی):

همان گونه که قبلاً نیز گفته شد، در چرخه اکوسیستم دریاچه ارومیه، گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری قرار دارد. هرگونه از جانداران جایگاه خاصی در اکوسیستم دارند. به طور مثال، آرتیمیا آغازکننده چرخه غذایی در اکوسیستم دریاچه است. با تغییر در شرایط زیست میگوها و مرگ آنها، بسیاری از جمعیت متنوع پرندگان مهاجر به منطقه که از میگوها تغذیه می‌کنند، از چرخه اکوسیستمی منطقه خارج شده و حتی منقرض می‌شوند [۳۱]. بنابراین، خشک شدن دریاچه ارومیه سبب از بین رفتن همه گونه‌های گیاهی و جانوری در منطقه خواهد شد که ضرر مستقیم آن به منطقه برمی‌گردد.

۳. تهدیدهای اقتصادی و اجتماعی: با خشک شدن

دریاچه ارومیه، بیابان نمکی به وسعت پنج هزار کیلومتر پدید خواهد آمد. براساس سیستم کریستالوگرافی (بلورشناسی) و سیستم مینرالوژیک (کانی‌شناسی)، نمک‌ها با خشک شدن و در معرض هوا قرار گرفتن در فشاری کمتر از حد پایداری، به صورت پودر شکسته می‌شوند و به آسانی می‌توانند به وسیله باد در مناطق اطراف پراکنده شده و سبب گسترش بیابان نمک شوند. توان گسترش بیابان نمک توسط توفان‌های فرامنطقه‌ای با پتانسیل تخریبی ۱۲۰۰ کیلومترمربعی گزارش شده است؛ به بیانی، در کمترین زمان ممکن (طی سه روز، همه استان تهران و طی چهار روز، استان یزد) [۲۲ و ۳۲]. تبعات گسترش بیابان نمک نیز بسیار واضح است؛ چراکه همه زمین‌های

• **احداث بزرگراه میان گذر شهید کلانتری:** این بزرگراه به طول ۱۵ کیلومتر و خاکریزی حدود ۱۲ کیلومتر علاوه بر خشکاندن ۸۰ درصد حد فاصل دو سوی غربی - شرقی دریاچه، سبب قطع ارتباط طبیعی نیمه شمالی و جنوبی شده و تغییرات جدی را بر هیدرودینامیک منطقه و ویژگی‌های اکولوژیکال دریاچه ارومیه وارد کرده است. از آنجا که ۸۶ درصد آب‌های ورودی از ناحیه جنوبی بزرگراه وارد آن می‌شود، این میان‌گذر سبب تفاوت در خصوصیات فیزیکی و شیمیایی، به‌ویژه رسوب‌گذاری نواحی شمالی و جنوبی شده است [۲۷]. بر اثر این اقدام، میزان شوری در نیمه شمالی به شدت افزایش یافته و به ۳۰۰ گرم در لیتر رسیده است. همچنین، رفت و آمد خودروها و تخلیه مواد آلاینده ناشی از تردد خودروها به فضای دریاچه و نیز آلودگی صوتی به وجود آمده، سبب از بین رفتن امنیت زیستگاه برای پرندگان مهاجر و بومی و مستقرنشدن آنها در نزدیکی این جاده شده است [۲۸].

• **افزایش جمعیت و مصرف بی‌رویه آب:** رشد سریع و بی‌رویه جمعیت در مناطق اطراف دریاچه ارومیه نیز یکی از علل خشک شدن این دریاچه است؛ چراکه از یک سو سبب افزایش مصرف و خدمات آبرسانی می‌شود و از سوی دیگر، به لحاظ افزایش حجم فاضلاب‌های خانگی و شهری و سباب فرایندهای صنعتی و آب‌های زهکشی کشاورزی، مشکلات و مسائل عدیده را بر سر راه حفظ کیفیت محیط زیست و به‌ویژه مدیریت پایدار منابع آب و خاک پدید می‌آورد [۱۸ و ۲۹].

آثار و پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه

خشک شدن دریاچه ارومیه آثار و پیامدهای فراوانی را بر محیط اطراف و زندگی انسانی و جانوری پیرامون دریاچه ایجاد می‌کند. مهم‌ترین این پیامدها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. **تهدید سلامت مردم منطقه:** خشک شدن دریاچه ارومیه و تأثیرات سوء آن بر بهداشت و سلامتی مردم منطقه، می‌تواند مهم‌ترین پیامد این فاجعه اکولوژیکی باشد. توسعه مبارزه با آفات و علف‌های هرز و استفاده

مستند به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره، روایات متعدد، عقل، اجماع و بنای عقلاست [۳۵ و ۳۶]. برای کلمه «ضرر» که در این قاعده به کار رفته و پایه استدلال به آن را تشکیل می‌دهد، معانی لغوی فراوانی گفته شده است؛ از جمله «خلاف نفع»، «سوء حال»، «نقص در حق» و «عمل ناپسند نسبت به یک شخص» [۳۷ و ۳۸]. در فقه نیز این اختلاف در معنا مشهود است. به طور مثال، بعضی از فقها ضرر را به هرگونه نقصان در مال یا آبرو و یا جان فرد دیگر تعریف می‌کنند و بیان می‌دارند که ضرر درباره نفس و مال به کار می‌رود، ولی درباره از دست دادن احترام و آبرو، کلمه ضرر کمتر استعمال می‌شود [۳۹]. عده‌ای نیز ضرر را به معنای ضد نفع و مقابل نفع معنا می‌کنند [۴۰]. به نظر می‌رسد نظر کسانی که در باب ضرر، معنای عرفی را قبول کرده‌اند، نیک‌تر و منطقی‌تر است.

کلمه ضرر نیز معانی مختلفی در فقه دارد و همانند کلمه ضرر، معانی متعددی برای آن آورده‌اند. از جمله معنای‌ای که برای کلمه ضرر گفته شده است عبارت‌اند از: «مجازات بر ضرری که از سوی دیگران به انسان می‌رسد»، «ضرر متقابل»، «در تنگنا قرار گرفتن»، «ضرر رساندن به دیگران بدون دریافت سود»، «اصرار بر ضرر» و «ضرر عمدی» [۴۰ و ۴۱]. به نظر می‌رسد نظری که ضرر را به معنای در تنگنا قرار گرفتن، تضییق، اهمال، سختی و کلفت گرفته است، با استعمالات قرآنی این کلمه سازگارتر و به درستی نزدیک‌تر است.

با توجه به وجود معانی متعدد برای هر یک از واژه‌های ضرر و ضرار که در متن قاعده به کار رفته، در باب مفاد قاعده نیز نظرات گوناگونی از سوی فقهای امامیه ابراز شده است. عده‌ای معتقدند مراد از لاضرر، «نهی از ایجاد ضرر» است؛ یعنی ضرر رساندن به دیگران از دیدگاه شرع، ممنوع و حرام است [۴۲ و ۴۳]. عده‌ای آن را به «نهی ضرر غیر متدارک» تعبیر کرده‌اند [۴۴] برخی مفاد قاعده لاضرر را «نهی حکم ضرری» [۴۵] و عده‌ای نیز مفاد آن را «نهی حکم به لسان نفی موضوع» دانسته‌اند [۴۶].

نظریه نخست، یعنی نهی از ایجاد ضرر - که نظریه امام خمینی^(ره) نیز هست، - متضمن معنای مد نظر ما در این پژوهش است و دیگر موارد نیز هرچند با معنای مد نظر ما بی‌ارتباط نیست، اما صراحت در آن ندارد.

کشاورزی تا شعاع هزاران کیلومتر از بین خواهد رفت و این یعنی از بین رفتن شغل کشاورزی که بیش از ۴۰ درصد مردم منطقه با این شغل امرار معاش می‌کنند. علاوه بر از بین رفتن اقتصاد، گردشگری منطقه هم از بین خواهد رفت و نتیجه آن، مهاجرت مردم از منطقه خواهد بود که جبران‌ناپذیر است [۲۶، ۳۳ و ۳۴].

قاعده لاضرر، مبنای فقهی حق بر محیط زیست

قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد مسلم فقهی، پایه استدلال بسیاری از فقها قرار گرفته و از آن، احکام جزئی فراوانی به دست آمده است. قابلیت استدلالی این قاعده چنان گسترده است که فقها از آن نه تنها برای نفی احکام وجودی متضمن ضرر استفاده کرده‌اند، بلکه برای اثبات امور عدمی که راه دفع ضرر فقط در آنهاست و از جمله اثبات برخی حقوق، به آن تمسک کرده و حتی در مواردی مفاد آن را بر احکام اولیه مقدم دانسته‌اند. در ادامه، به مفاد این قاعده و ارتباط آن با دریاچه ارومیه می‌پردازیم تا از این راه به اثبات حق بر محیط زیستی این دریاچه را بررسی کنیم.

رابطه قاعده لاضرر و دریاچه ارومیه

همان گونه که بیان شد، قاعده لاضرر هرگونه ضرر زدن به دیگران را نفی می‌کند و بر هر حکمی که ضرری داشته باشد، حاکم است. همچنین، می‌توان به وسیله این قاعده هر نوع حکمی را که نبود آن ضرر است، وضع کرد. با بررسی عواقب و تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه مشخص شد که خشک شدن آن، ضرری بسیار عظیم؛ البته نه برای یک یا چند نفر، بلکه برای میلیون‌ها نفر به شمار می‌رود. خشک شدن دریاچه ارومیه مساوی است با از بین رفتن حقوق مسلم مردم منطقه؛ از جمله حق حیات، حق بهداشت و سلامت، حق انتخاب آزادانه محل اقامت و حق بر کار و تغذیه مناسب که از حقوق مسلم پذیرفته شده در جامعه جهانی است و در دین مبین اسلام نیز از بالاترین حقوق انسان‌ها به شمار می‌رود. بنابراین، برای جلوگیری از خشک شدن دریاچه ارومیه و احیای آن می‌توان به قاعده لاضرر استناد کرد.

مفاد قاعده

قاعده «لا ضرر و لا ضرار» یا «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» که در فقه به «قاعده لاضرر» معروف است،

بیان شد، بر ادله احکام اولیه حاکم است. حال اگر نبود یک امر وجودی ضرر و زیان پدید آورد، آیا قاعده لاضرر بر این فقدان حاکم است؟ یعنی اگر نبود حکمی متضمن ضرر باشد، آیا می‌توان به موجب قاعده لاضرر آن حکم را ایجاد کرد؟ درباره این بحث در بین فقها اختلاف وجود دارد. عده‌ای از فقها معتقدند که قاعده لاضرر اثبات تضمین نمی‌کند و همیشه به عنوان معارض و مخالف عمومات دیگر وارد صحنه می‌شود. پس باید همواره حکم ثابتی به شکل عموم وجود داشته باشد و بعضی مصادیق آن ضرری باشد تا به موجب قاعده لاضرر شمول آن حکم عام نسبت به آن مصداق مرتفع حکم شود [۳۹].

درمقابل، عده‌ای از علما نیز معتقدند که قاعده لاضرر به رفع احکام و افعال خاص وجودی محدود نیست، بلکه نسبت به مواردی که خلأ قانونی موجب ضرر و زیان و خسارت می‌شود نیز حکومت دارد. با این توجیه که محیط تشریح و قانون‌گذاری به جمیع شئون، محیط حکومت شرع مقدس است و همان طور که ایجاد قانون ممکن است برای فرد یا جامعه زیان داشته باشد، سکوت و ایجادنشدن نیز خسران به بار آورد. وقتی حکومتی، نظام جامعه و ملتی را به دست دارد، هر گونه سوء جریان در روابط حقوق اجتماعی ناشی از نداشتن تدبیر اوست؛ خواه ناشی از وضع مقررات نامطلوب باشد و خواه ناشی از وضع نشدن مقررات و انجام‌ندادن پیش‌بینی‌های لازم. بنابراین، از این قاعده می‌توان برای اثبات حکم در امور عدمی هم بهره برد و اثبات حق بر محیط زیست، از جمله این موارد است.

رابطه قاعده لاضرر و حق بر محیط زیست

همان گونه که بیان شد، قاعده لاضرر بر همه افعال و احکام حکومت دارد. به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز مالک مطلق‌العنان نیست و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست است. بنابراین، باید گفت که قاعده لاضرر یکی از مبانی مهم فقهی حق بر محیط زیست تلقی می‌شود و هر گونه فعل و ترک فعل، که موجب تخریب محیط زیست و ضرر و زیان بر دیگران می‌شود، به سبب این قاعده ممنوع است. علاوه بر این، همان گونه که بیان شد، قاعده لاضرر در احکام عدمی نیز جاری است و می‌توان به وسیله آن حکم جدید نیز ایجاد کرد. بنابراین، طبق قاعده لاضرر می‌توان

تقدیم قاعده لاضرر بر ادله احکام اولیه

قاعده لاضرر از قواعد حاکمه فقهی است [۴۷] به این معنا که بر هرگونه مقرره شرعی حکومت می‌کند و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهد. در بیان شهید مطهری آمده است: «یکی دیگر از جهاتی که به دین اسلام خاصیت تحرک و انطباق می‌بخشد و زنده و جاوید نگه می‌دارد، این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد حاکمه می‌نامند؛ مانند قاعده لاضرر و لاضرر که بر سراسر فقه حکومت می‌کنند. کار این قواعد، کنترل و تعدیل قواعد دیگر است. در حقیقت، اسلام برای این قواعد نسبت به سایر قوانین و مقررات، حق وتو قائل شده است.»

رابطه قاعده لاضرر و تسلیط

قاعده لاضرر از قواعد مسلم فقهی و مبنای مشهور آن، روایت مشهور «الناس مسلطون علی أموالهم» است. طبق این قاعده، مالک می‌تواند در ملک خود هرگونه تصرفی به عمل آورد بدون اینکه کسی حق ایجاد مزاحمت برای او داشته باشد. تعارض چنین قاعده‌ای با قاعده لاضرر امری طبیعی است؛ زیرا قاعده لاضرر قطعاً به منظور محدودکردن اختیارات ناشی از قاعده تسلیط مقرر شده است.

در تعارض این دو قاعده نظرات مختلفی از فقها گفته شده است، ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که در صورت تعارض این دو قاعده، در صورتی که تصرف مالک سبب ضرر دیگران شود و عدم تصرف برای مالک، ضرری در پی نداشته باشد، قاعده لاضرر حاکم بوده و بر تسلیط مقدم است. اما اگر عدم تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر بر او شود، ضرر مالک با ضرر غیر تعارض کرده و تساقط می‌کنند و قاعده تسلیط به قوت خود باقی می‌ماند [۳۷]. به طور کلی، باید گفت که در بحث تعارض قاعده لاضرر و قاعده تسلیط، قاعده لاضرر حکومت دارد و دایره قاعده تسلیط را محدود می‌کند؛ به خصوص اگر در تصرف مالک، ضرر عظیم بر همه مردم وجود داشته باشد.

شمول قاعده لاضرر بر امور عدمی

تردیدی نیست که احکام وجودی مشمول قاعده لاضرر است؛ یعنی هر حکمی که ضرر باشد به وسیله قاعده لاضرر رفع می‌شود. به بیان دیگر، قاعده لاضرر همان گونه که قبلاً

اهلی در صورت اذیت و آزار و دستکاری، خوی وحشی‌گری خود را بروز می‌دهد، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها نیز می‌توانند چنین واکنشی از خود نشان دهند.

باید گفت که درباره دریاچه ارومیه نیز همین اتفاق افتاده است. بستن رودخانه‌های منتهی به دریاچه با احداث سد، احداث پل میان‌گذر با خاکریز ۱۰ کیلومتر و دو نیم کردن دریاچه ارومیه، حفر حدود ۳۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز و هزاران چاه مجاز عمیق و نیمه‌عمیق، سمپاشی باغ‌های منطقه در چندین مرحله در سال که به روانه‌شدن آنها به دریاچه منجر می‌شود و همچنین مصرف بی‌رویه آب و اسراف‌های فراوان در مصارف صنعتی و خانوادگی، مصداق بارز دست‌بردن غیراصولی در طبیعت است. به نظر می‌رسد بهترین راه برای حل بحران دریاچه ارومیه، دست‌کشیدن از دستکاری این دریاچه است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. بستن چاه‌های غیرمجاز و کنترل چاه‌های مجاز در چگونگی مصرف و اصلاح آبیاری از غرقابی به قطره‌ای یا دیمی.
۲. جلوگیری از احداث سدهای در حال مطالعه و رهاکردن آب سدهای موجود و ذخیره‌نکردن مجدد.
۳. جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه آب رودخانه‌های منتهی به دریاچه.
۴. اصلاح پل روگذر شهید کلانتری از خاکریز به پل هوایی و در صورت اصلاح‌نشدن، تخریب آن.
۵. مشارکت همه ذی‌نفع‌ها در احیای دریاچه ارومیه از جمله مردم منطقه، در اصلاح الگوی مصرف در مصارف آب و اسراف‌نکردن که دین اسلام بارها به آن توصیه کرده است.
۶. جلوگیری از گسترش باغ‌ها و تبدیل کشت محصولات که نیاز به آب فراوان دارند (مانند پیاز، خربزه، چغندر و...) به محصولات دیمی.

منابع

- [1]. Al-Joahri I H. Al-Saha'h Taj al-Loahga va Saha'a al-Arabiya, Vol.4. al-Thaniyah press. Beirut: Dar al-Malayeen; 1979.
- [2]. Farahidi K A. Al-Ain Research by Mehdi Makhzumi and Ibrahim Samerai. Qom: Dar Al-Hajarah. Vol. 3; 1985.
- [3]. Jafari Langroudi M. General Introduction to Law of Science, Tehran: Library of Ganj Danesh; 1996. [Persian]

هر نوع فعالیت انسانی از جمله سد، کارخانه و... که موجب تخریب محیط زیست شود و به تبع سبب ضرر و زیان مردم شود را حکم به تخریب یا توقف آن کرد.

نتیجه

از مجموعه مباحثی که در این پژوهش بررسی شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. حق بر محیط زیست عبارت از امتیازی است که انسان در بهره‌مندی مستقیم یا غیرمستقیم از محیط زندگی دارد و دیگران مکلف به رعایت آن هستند.
۲. یکی از حقوق بزرگ زیست‌محیطی در کشور ما، حق بر محیط زیست دریاچه ارومیه است که در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی در معرض تضییع و نابودی قرار گرفته است.
۳. مهم‌ترین پیامدهای خشک‌شدن دریاچه ارومیه عبارت است از تهدید سلامت مردم و از بین رفتن اقتصاد منطقه و مهاجرت که ضرری جبران‌ناپذیر محسوب می‌شود.
۴. قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد مشهور و حاکمه فقهی، از مهم‌ترین مبانی فقهی حق بر محیط زیست است. از این قاعده نه تنها برای نفی احکام ضرری موجود، بلکه برای اثبات امور عدمی که راه دفع ضرر منحصر در آنهاست؛ از جمله اثبات حق بر محیط زیست، می‌توان استفاده کرد.
۵. بازگرداندن دریاچه ارومیه و حوضه آبریز آن به حالت اولیه از مهم‌ترین راهکارهای حفاظت و احیای آن است.

راهکارها و پیشنهادها

برای احیای دریاچه ارومیه راهکارهای متعددی پیشنهاد شده است که انتقال آب بین حوضه‌ای از رودهای زاب، ارس و دریای خزر از مهم‌ترین این راهکارهاست، ولی به نظر می‌رسد راه نجات دریاچه ارومیه در خود منطقه است نه در جای دیگر. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم، از جمله آیه ۱۳ سوره جاثیه می‌فرماید: «و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الأرض جمیعاً» (هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است را برای شما مسخر و رام کردیم). طبق این آیه و آیات مشابه، زمین و آسمان در جهت منافع انسان رام شده است و بدیهی است که در عرف، رام در مقابل وحشی به کار می‌رود. بنابراین، باید گفت همان گونه که حیوان

- [4]. Mesbah Yazdi M. Taghi Law and Politics in the Qur'an, written by Mohammad Shahrabi. Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research; 1998. [Persian]
- [5]. Katouzian N. Philosophy of Law Second Edition. Vol.3. Tehran: Publication Joint Stock Company; 2002. [Persian]
- [6]. Aleahrolloom S M. Balaghatol-Faghih. Volume 1. Tehran: Al-Sadiq; 1983.
- [7]. Madani S J. Fundamentals of Law Science. Tehran: Hamrah Publishing; 1995. [Persian]
- [8]. Motahari M. Notes by Professor Motahari. Tehran: Sadra; 2002. [Persian]
- [9]. Ansari M. Al-Makaseb. Vol, 6. Qom: Al-Hadi Institute; 1997.
- [10]. Mesbah Yazdi M T. Legal Theory in Islam: Mutual Laws of the People and the Government. Writing Mohammad Mehdi Naderi and Mohammad Mehdi Kariminia. Vol,1. Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research; 2002. [Persian]
- [11]. Banan G A. Environment, Human and Prevention of Pollution. Vol,2. Tehran: National Association for the Conservation of Natural Resources and Human Resources; 1972. [Persian]
- [12]. Janeidi M J. Mineral Industries and Environment Pollution. Tehran: Industries Development and Renovation Organization; 1973. [Persian]
- [13]. Matin A. Global Biosphere Threat, Natural Resources at the Biodiversity. Journal of Research and Development. 1991; 4: (13). [Persian]
- [14]. Amir Arjmand A. Environmental Protection and International Solidarity. Journal of Legal Research. 1995; 15: 324-436. [Persian]
- [15]. Asghari Zamani A. Assessment of Lake Level Change in Urmia as a Deep Environmental Challenge to the North-West of Iran, Geographic Space Geosciences. 2014; 41: 77-91. [Persian]
- [16]. Rashid Nighi A, Majnoni Harris I, Nazemi A H. The Adverse Impact of Urmia Lake Drying on the Environment of the Region; The First International Conference on Environmental Crises and its Improvement. Kish Island. 2012; 3360-3368. [Persian]
- [17]. Ahmadian M, Asghari S. Environmental Consequences of Lowered Lake Urmia Water and Rescue Solutions, Geographical Survey of the Territory. 2013; 40: 81-96. [Persian]
- [18]. Nemati M R. A reflection on the drying of Lake Urumieh, its effects and consequences, the first international congress on land, clean space and energy. Ardebil: Mohaghegh Ardabil University; 2016. [Persian]
- [19]. Lotfi A. Lake Urmia; An explanation of the conditions and basis, editing of Michael Moser, translation of Yasman Akbarzadeh. Tehran: Dariche naw and Rozhin; 2012. [Persian]
- [20]. Salimi Turkamani H. Environmental Impact Assessment of Lake Urmia in terms of International Environmental Law. Strategic Quarterly. 2011; 58: 177-202. [Persian]
- [21]. Azarnivand A, Bani Habib M E. Evaluation of Urmia Lake Recovery Based on Sustainable Development Indices by Simple Weighing Models and Hierarchical Analysis. Second National Conference on Sustainable Agricultural Development and Environment. Hamedan: Tomorrow's Environment Society. 2013; 1-16. [Persian]
- [22]. Karami P. Environmental Problems Caused by Urmia Lake, Result and Solutions. The First National Conference on Urmia Lake Later Effects on Water and Soil Resources Tabriz; 2013. [Persian]
- [23]. Ebrahimzadeh A, Hasani A, Farnoodfar R. Survey of Urmia Lake Drying and Environmental Pollution and Its Impact on the Economy. The First National Conference on Environmental Pollution Focusing on Clean Land. the University of Medical Sciences of Ardabil; 2014. [Persian]
- [24]. Ranjpisheh M, Jamali F, Beigi N, Moazzami N. Causes and Consequences of Urmia Lake Drying and Solutions, Third National Conference of Students' Societies of Agricultural and Natural Resources. Agriculture and Natural Resources of Tehran University Campus; 2015. [Persian]
- [25]. Ramezani Ghavam Abadi M H, Sanayipour S. Legal review of Iran's commitment to a reasonable use of Lake Urumia with an emphasis on Ramsar Convention. Journal of Legal Studies Shiraz University. 2013; 5: (3) [Persian]
- [26]. Feizi Emamzadeh A. Urmia Lake Mooring Effects on the Tourism Economy of the Region, Conference on National Challenges in the Reclamation of Lake Urmia. Payame Noor University of Shabestar and Bennis; 2016. [Persian]
- [27]. Bagherzadeh Karimi M, Rohani Rawankouhi M. Guide for Iranian Wetlands registered at the

- Ramsar Convention. Tehran: Rooze Naw Publishing; 2007. [Persian]
- [28]. Dadashpour H, Alizadeh B, Rostami F. Evaluation of the Urmia Lake Intermediate Project from the Perspective of Regional Sustainable Development. Environmental Research; 2013: 4 (8). [Persian]
- [29]. Hashemi O. Management of Lake Urmia Water Crisis and Its Environmental Impact. International Conference on New Development Achievements in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning. Tehran: Nikan; University of Technology. Tehran University; 2015. [Persian]
- [30]. Javadi Chaharborj A, Soleimanzadeh A R. Effect of unstable development on human rights violations with emphasis on environmental crisis of Lake Urmia. Second National Conference on Planning, Conservation, Environmental Protection and Sustainable Development. Tehran: Shahid Beheshti University; 1393. [Persian]
- [31]. Nikobakht S, Asiba M A, Mokhtari M H, Mehr Nahad H. The destructive effects of drying the Urmia Lake on biodiversity and providing protective solutions. The first conference on the protection of Iranian wetlands and ecosystems. Hamedan: The company of tomorrow environment; 2013. [Persian]
- [32]. Soleimani Ziweh M, Keynchali S, Khoshmanesh K, Gholami S R, Minaiehmehr S. Investigating the Health and Environmental Impacts of Urmia Lake Losses Comparing with Similar Issues in the globe (Lakes Aral, Chad, Abyenur , thirteenth National Conference on Environmental Health of Iran, Kerman. Farabi Hall; 2010. [Persian]
- [33]. Nouri G, Aghaee V. Evaluation of environmental hazards in the marginal areas of Lake Urmia caused by fluctuations of the periphery boundary during 1985 to 2010. environmental hazards journal. first year: second edition; 2012. [Persian]
- [34]. Pour Asghar F, Hassan Alizadeh AS, Soltani M, Omidfar M. Investigating the propagation of salt particles into the perimeter environment due to the drying of Lake Urmia. National Conference on Flow and Air Pollution. Tehran University; 2012. [Persian]
- [35]. Hor Ameli M. Vasael Al-Shia ela Tahsil al-masael Al-sharia. Vol, 25. Beirut: Dar al-Ehya al-torase al-Arabi; 2010.
- [36]. Al-Husseini al-Ruhani SM. Al-Qawad al-Fqh. Vol, 5. Qom: Amir Printing house; 1992.
- [37]. Mohaghegh Damad S M. Laws of jurisprudence; Civil Division. Vol,1. Tehran: Center for the Publishing of Islamic Sciences; 2009. [Persian]
- [38]. Mirza'i Qomi A. Awaied Al-Ayam. in an attempt of Abu Talib Naeini. Ismaeil Publication; 1942.
- [39]. Khansari Najafi M. Maniyat al-Talib. editions of Mirzai Naeini's lesson. Najaf: Almortazavi; 1978.
- [40]. Khomeini S R. Al-Rasael. Tehran: Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini's Works; 1999.
- [41]. Ansari M. Al-Makaseb. Tabriz: Mabata Al-Matboaat; 1996.
- [42]. Mousavi Bojnourdi S M H. Al-Qawad Al-Feghiya. Qom: Ismaili Publishing; 1413.
- [43]. Rashidpor A. the Lazarar principle from the perspective of Imam Khomeini. Tehran: Oroj; 2010. [Persian]
- [44]. Maraghei M A. Al-Anawin Al-Feghieh. First edition. Qom: Nashr al-Islami institute; 1996.
- [45]. Naraghi A. Awaied al-Ayāmam. Qom: Articles of the Basirah Publications; 1988.
- [46]. Khorasani M K. Kafayah Al-Asool. Vol, 2. Qom: Al-Nashr al-Islami Institute; 2001.
- [47]. Khoee S A. Mesbah Al-Usol. Qom: The Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1989.